

سیر تحولات فضایی شهر سیرجان در دوران اسلامی با اتکاء به شواهد باستان‌شناختی و منابع مکتوب تاریخی

حسن کریمیان^۱، احمد پورا احمد^۲، زینب افضلی^{۳*} (نویسنده مسئول)

^۱ دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ایران

^۲ استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، ایران

^۳ دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۵

چکیده

سیرجان یکی از شهرهای مهم ایالت کرمان از دوره ساسانی تا به امروز به دلیل قرارگیری بر سر راه‌های ارتباطی و موقعیت جغرافیایی مناسب، نقش بسیار کلیدی در تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جنوب شرق ایران ایفاء نموده است. هر چند منابع مکتوب اطلاعات ذی‌قیمتی از این شهر ارائه می‌دهند، لیکن پرسش‌های زیادی درباره شکل‌یابی، توسعه و جابجایی‌ها مکانی آن در دوره‌های مختلف باقی مانده است. در پاسخ پرسش‌هایی از این دست تکارندگان بر آن شدند تا ضمن بهره‌گیری از منابع مکتوب و نتایج بررسی‌های میدانی فشرده دشت سیرجان، روند شکل‌گیری و تحولات شهر سیرجان را معلوم و جابجایی‌های این شهر در دوران اسلامی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. در نتیجه پژوهش حاضر مشخص گردید که موقعیت مکانی شهر سیرجان در دوران اسلامی چند بار تغییر کرده تا آن‌که در دوره قاجار در جای فعلی مستقر شده است. بنا بر شواهد موجود هسته اولیه این شهر به احتمال در دوره اشکانی در محوطه شهر قدیم شکل گرفته و در دوره ساسانی اهمیت یافته و طی چند سده اولیه اسلامی به عنوان مرکز ایالت کرمان بوده تا این‌که در اواخر دوره سلجوقی از رونق افتاده و بتدریج محوطه قلعه سنگ جای آن را گرفته است. شواهد باستان‌شناسانه همچنین مؤید آن است که قلعه سنگ در سده‌های ۷ تا اواخر سده ۹ ه.ق مهم‌ترین استقرارگاه دشت سیرجان بوده، لیکن با خرابی آن به دست آق‌قویونلوها از رونق افتاده و مرکزیت شهر به مکانی که امروز به باغ بمید شهرت دارد، منتقل شده است. اگرچه باغ بمید در دوره صفوی مهم‌ترین استقرار دشت سیرجان بوده، لیکن با عمران سعیدآباد در دوره قاجار، حاکم‌نشین و مرکز شهری به اینجا منتقل و تا به امروز استمرار یافته است.

واژگان کلیدی: شهرهای اسلامی، شهر قدیم سیرجان، قلعه سنگ، باغ بمید، سعیدآباد.

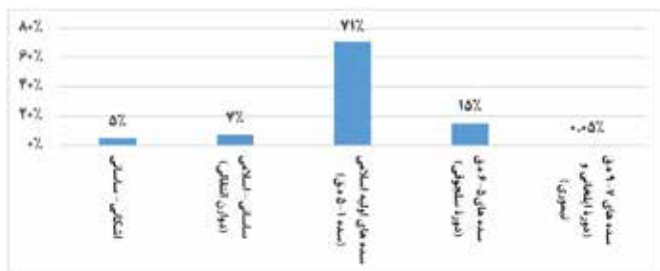
مقدمه

داده‌ها، برای سنجش و تحلیل‌های کمی و کیفی از آن استفاده گردد.

۱- شهر قدیم سیرجان در دوره تاریخی و قرون اولیه اسلامی

منابع مکتوب و داده‌های باستان‌شناختی و سکه‌شناسی نشان‌دهنده اهمیت سیرجان در دوره ساسانی هستند. سیرجان جزو اولین سرزمین‌هایی بود که به تصرف اردشیر بابکان در آمد (طبری، ۱۳۷۵: ۵۸۰) و در دوره ساسانی یکی از ضرابخانه‌های معتبر بود که با کشف سکه‌هایی با ضرب سیرجان از تپه آسیابی ایزدآباد و سکه‌های خسرو دوم در موزه همدان (حاتمی، ۱۳۸۰: ۲۸؛ حاج‌ولئی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴۱-۱۵۰) و همچنین ضرب سکه‌های این شهر در اواخر این حکومت (امینی، ۱۳۹۲: ۳۵) نشان از اهمیت آن در دوران ساسانی دارد.

در بررسی‌های میدانی و فشرده سطح محوطه «شهر قدیم سیرجان» ۱۱۸۴ قطعه سفال شاخص برداشت شد. مطالعه این قطعه‌ها روشن ساخت که بیشترین آن‌ها (۷۱/۵۳ درصد) به سده‌های اول اسلامی (۱-۵ ه.ق) تعلق دارند و بعد از آن سفال‌های سده‌های ۵ و ۶ ه.ق (با ۱۵/۵۴ درصد) بیشترین داده‌های حاصل از مطالعات میدانی هستند. در این میان، تنها ۵/۱ درصد از یافته‌ها به دوران اشکانی و ساسانی و ۷/۲ درصد نیز سفال‌های دوران انتقالی (ساسانی-اسلامی) و ۰/۵ هم سفال‌های سده‌های ۷-۹ ه.ق هستند (نمودار ۱).



نمودار شماره ۱: توزیع زمانی سفال‌های مکشوفه از شهر قدیم سیرجان

با اتکاء به این شواهد باستان‌شناسانه می‌توان دریافت که این استقرارگاه به احتمال زیاد از دوره اشکانی شکل گرفته و این خود تأییدی است بر گفته میرخواند که سیرجان را از بناهای خسرو بن بلاش اشکانی می‌داند (۱۳۳۸: ۱/ ۷۳۱) و در زمان قیام اردشیر، ولخش اشکانی بر کرمان حکومت می‌کرده است (Markwart, 1931: 18). سفال‌های متعلق به ادوار اشکانی و ساسانی شهر قدیم سیرجان قابل مقایسه با سفال‌های قصر ابونصر (Whitcomb, 1985)، حاجی‌آباد (Azarnoush, 1994)، شوش (Kervran, 1984)، غیرا (Bivar et al, 2000) و سیراف (Whitehouse, 2009) هستند. بدین ترتیب، تردیدی نیست که شهر سیرجان در تعامل کامل با سایر شهرهای مشهور ایران قرار داشته و به دلیل مهیا بودن زیرساخت‌های لازم (آبرسانی، ارتباطی، تجاری و ...) در سده‌های اولیه اسلامی به عنوان کرسی ایالت کرمان انتخاب گردید (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۱۱۱). امیرحاجلو معتقد است که شهر سیرجان در پنج مرحله شکل گرفته است که مرحله

شهر سیرجان از جمله شهرهای کهن ایران، در سده‌های اولیه اسلامی به عنوان مرکز ایالت کرمان بود که با قرارگیری بر سر مسیر شبکه ارتباطی جنوب شرق، همچنان که زمینه رشد و توسعه آن را فراهم می‌ساخت، سبب آن بود که در حمله‌های مکرر آسیب دیده و از رونق افتاده، سپس دوباره جان گرفته و گسترش یابد. مطالعه چگونگی شکل‌یابی، توسعه و جابجایی مکانی این شهر در دوران اسلامی از اهداف پژوهش حاضر است. مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر مکان‌گزینی شهر سیرجان در دوران اسلامی و جابجایی‌های آن در موقعیت‌های مکانی مختلف از منظر باستان‌شناسی است. در نیل به این هدف تلاش گردید تا با اتکاء به منابع مکتوب و نتایج مطالعات میدانی سیر تحولات این شهر و جابجایی آن در دوره‌های مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. به عبارت دیگر، در این پژوهش که نتایج آن در نوشتار حاضر ارائه می‌شود، تلاش گردید تا به پرسش‌هایی در زمینه شکل‌یابی، توسعه و تحولات شهر سیرجان در دوران اسلامی پاسخ گفته شود. بدین منظور بررسی‌های فشرده میدانی در محدوده‌ای دایره‌ای شکل به شعاع ۱۵ کیلومتر از سه کیلومتری جنوب شرقی شهر کنونی سیرجان صورت گرفت تا تمام محوطه‌های مربوط به تحولات شهری سیرجان را پوشش دهد و تمامی داده‌های میدانی مورد تحلیل و مطالعه قرار گرفتند. در شهر قدیم سیرجان، اولین بار ویلیامسون کاوش‌هایی را انجام داد (Morgan & Leatherby, 1987) و بعد از آن این محوطه توسط حاتمی مورد بررسی و گمانه‌زنی قرار گرفت (حاتمی، ۱۳۷۴). محوطه قلعه سنگ اولین بار توسط گیونز شناسایی و بعد از آن جی‌بنز و کیت‌آبوت و سایکس از آن بازدید کردند (گیونز، ۱۳۹۵: ۲۵۶؛ گابریل، ۱۳۸۱: ۳۲۷؛ سایکس، ۱۳۳۶: ۴۳۱). همچنین کاوش‌هایی در سال ۱۳۹۴ در محوطه قلعه سنگ انجام پذیرفت (امیرحاجلو و صدیقیان، ۱۳۹۵: ۱۸). به دلیل ناچیز بودن مطالعات صورت گرفته پیشین درباره تحولات شهر سیرجان این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفت که داده‌های آن به روش میدانی و اسنادی گردآوری و در ادامه، با اتکاء به نتایج مطالعات میدانی تحولات و جابجایی‌های مکانی این شهر پراهمیت دوران اسلامی مشخص گردیده است.

تحولات شهر سیرجان در دوران اسلامی

در بررسی میدانی و فعالیت‌های باستان‌شناسی دشت سیرجان، محوطه‌ها بر اساس اولویت شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته‌اند و به منظور سهولت در امر تحقیق، داده‌ها از نظر ماهیت و نوع به «داده‌های غیر منقول» اعم از بقایای معماری و شهرسازی و «داده‌های منقول» از قبیل سفال، کاشی، شیشه و بقایای کارگاهی و غیره تقسیم شدند. از آنجایی که سفال نقش عمده‌ای در مطالعات باستان‌شناسی و گاهنگاری نسبی محوطه‌های باستانی دارد، تلاش شد تا با استخراج اطلاعات باستان‌شناختی از این

تعامل کامل تجاری و فرهنگی با اکثر شهرهای مشهور ایران قرار داشته است. تشابه مواد فرهنگی، بخصوص یافته‌های سفالی و شیشه‌ای شهر سیرجان با آثار مکتشفه از نواحی دیگر مؤید موقعیت ممتاز مکانی آن در زنجیره ارتباطات سیاسی، فرهنگی و مبادلات تجاری نیمه جنوب شرقی کشور است.

در بعضی از منابع مکتوب آمده است که در اوایل دوره سلجوقی، به دلیل تغییر در مسیر راه‌های تجاری سیرجان به جیرفت، این شهر منزوی و راکودی عظیم در آثار هنری و صنعتی آن ایجاد شد؛ به حدی که در سده ۶ هجری به صورت شهری قحطی زده، ویران و بی‌ارتباط با سایر مراکز هنری و صنعتی درآمد (حانمی، ۱۳۸۰: ۱۴۷). با بررسی‌های که در شهر قدیم صورت گرفت، گونه‌های شاخص سفال زین فام، فیروزه‌ای و لاجوردی با خمیره شبه چینی از این محوطه بدست آمد که نشان‌دهنده استمرار این محوطه در دوره سلجوقی است. لیکن به جهت آنکه از مجموع کل سفال‌های بدست آمده از شهر قدیم ۱۵ درصد به سده‌های ۵ و ۶ ه.ق تعلق داشتند، به صراحت نمی‌توان این گزاره تاریخی مبنی بر راکود عظیم این شهر در دوره سلجوقی را تأیید نمود. بویژه آنکه سفال‌های مکتشفه قابل مقایسه با نمونه‌های کشف شده از مراکز مهم آن روزگار هم چون جیرفت (چوبک، ۱۳۹۱)، جرجان (مرتضایی و کیانی، ۱۳۸۵)، غبیرا (Bivar, 2000) و غیره می‌باشند که این خود نشان‌دهنده ارتباطات و روابط فرهنگی با دیگر مراکز آن زمان بوده است. بعلاوه، تعدادی از منابع تاریخی به اهمیت سیرجان در دوره سلجوقی اشاره و آن را یکی از چهار شهر بزرگ ایالت کرمان در این دوره ذکر کرده‌اند (افضل - کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۹، ۲۸؛ محمدبن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۳۵). طوسی در بین سال‌های ۵۵۱ و ۵۶۲ ه.ق و حموی در سده ۶ ه.ق سیرجان را جزو دو شهر بزرگ این ایالت می‌دانند (۱۳۸۲: ۲۶۴، ۲۶۳؛ حموی، ۱۳۸۰: ۱/ ۶۸۶). همچنین افضل‌الدین - کرمانی به سال ۵۸۴ ه.ق درباره شهر سیرجان می‌نویسد: «... و از شهرهای کرمان سیرجان است که دارالملک قدیم بردسیر بوده است، ولایتی معظم، بسیار ارتفاع و در عهد آل سلجوق اکثر اقطاع و ادرار لشکر از آن جا بوده است و پیوسته امیری بزرگ و لشکری انبوه در آن شَقِّ مقیم ...» (۱۳۱-۱۳۲) و همچنین در سال ۵۹۶ ه.ق سیرجان یکی از چهار شهر بزرگ کرمان بوده است (باستانی‌پاریزی، ۱۳۵۷: ۲۴۶)، در واقع، از رونق افتادن شهر قدیم سیرجان با مرگ طغرل شاه سلجوقی و جنگ‌های بیست ساله‌ای که بین پسران او در گرفت، هم‌زمان شد. این جنگ‌ها خسارات زیادی به شهرهای کرمان و بویژه سیرجان وارد آورد و سبب تسلط اتابکان فارس و شبانکارگان بر سیرجان شد تا جایی که در سال‌های آخر حکومت سلجوقیان، این شهر به تصرف اتابک تکلبن زنگی حاکم فارس درآمد که بعد از آن در سال ۵۷۵ ه.ق حمله غزها به ایالت کرمان شروع شد (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۹۲؛ ۲۵۳۶: ۶۷-۶۶). منشی کرمانی درباره حمله غزها به سیرجان می‌نویسد: «... از جیرفت به سیرجان رفتند و آن شهر را اَسوَه اُمثالِ ها خراب و بی‌آب گردانیدند» (۱۳۹۴: ۲۵-۲۶). در نتیجه

نخست آن مربوط به دوره ساسانی و شهری کوچک پیرامون تپه شاه فیروز و قلعه یحیی^۲ بوده است (سهرابی‌نیا، ۱۳۹۶: ۹)، ولی با توجه به بررسی‌های میدانی نگارندگان و بدست آمدن سفال‌های اشکانی و ساسانی از محوطه شهر قدیم و همچنین بر اساس منابع تاریخی این نظر را می‌توان رد کرد، زیرا با توجه به سفال‌های بدست آمده از تپه شاه فیروز مربوط به دوره تاریخی که کاملاً قابل مقایسه با سفال‌های شهر قدیم هستند، به احتمال بسیار زیاد می‌توان گفت که در آن دوره بناهایی روی بستر صخره‌ای این تپه وجود داشته که در ارتباط با شهر قدیم سیرجان بوده است، نه این که هسته اولیه شهر در این محل شکل گرفته باشد و بعد در دوره اسلامی به شهر قدیم منتقل شده باشد. در واقع باید گفت هسته اولیه شهر سیرجان بر اساس داده‌های باستان‌شناختی و منابع مکتوب تاریخی در خود شهر قدیم سیرجان شکل گرفته و در سده‌های اولیه اسلامی توسعه یافته است.

مطابق منابع مکتوب اولین فتح سیرجان توسط مسلمانان به سال ۲۳ ه.ق (طبری، ۱۳۶۸: ۴/ ۲۰۱۴) و فتح دوم مربوط به فرار یزدگرد سوم به کرمان است (بلاذری، ۱۳۱۹: ۳۹۸-۳۹۹). در سده‌های سوم و چهارم ه.ق جغرافی دانانی هم چون یعقوبی (۱۳۴۲: ۶۲)، ابن حوقل (۱۳۶۶: ۷۸-۷۷)، جیهانی (۱۳۶۳: ۱۳۱) و مسکویه (۱۳۷۶: ۵/ ۴۶۳) از سیرجان به نام بزرگترین شهر کرمان و مرکز این ایالت یاد کرده‌اند و حتی برخی از جغرافی دانان، سیرجان را در مرکز راه‌های ایالت کرمان که تمام راه‌ها از این شهر منشعب می‌شوند، آورده‌اند (اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۷-۱۶۸؛ مقدسی، ۱۳۸۵، ۶۸۶-۶۸۸؛ قدامه-بن جعفر، ۱۹۸۱: ۹۰-۹۰). آنگونه که از این منابع برمی‌آید، در این دوره سیرجان، شهری با هشت دروازه و حصار محکم با مسجد جامع و دو بازار پررونق که محل دادوستد بازرگانان و دارای صنایعی مانند پارچه‌بافی بوده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۸۵-۶۸۶؛ ادریسی، ۱۳۸۸: ۵۳-۵۱، حمیری، ۱۹۸۴: ۳۵۲؛ حدود العالم، ۱۳۴۰: ۱۲۶) از طرفی دیگر وجود صنایع سفالگری و شیشه‌گری این محوطه در بخش صنعتی آن که طی بررسی‌های باستان‌شناسی بدست آمده، نشان از اهمیت این محوطه در تولیدات صنعتی داشته است (کریمیان و افضلی، ۱۳۹۸). با توجه به گفته‌های جغرافی دانان و سکه‌هایی که در حدفاصل سال‌های ۳۶۱ تا ۴۰۷ ه.ق در سیرجان ضرب گردیده، تردیدی نیست که این شهر به عنوان مرکز مهم سیاسی و اقتصادی ایالت کرمان در دوره دلبلیان عملکرد داشته است (رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۹۳: ۲۹۶، ۵۰۰-۵۰۳) چنان که مقدسی نیز از ساخت بناهایی توسط عضدالدوله دلبلی در این شهر یاد کرده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۸۵). داده‌های بدست آمده از بررسی‌های باستان‌شناسی نیز مؤید اهمیت سیرجان در قرون اولیه بخصوص سده‌های ۳ تا ۵ ه.ق است؛ چنان که بیش از ۷۱ درصد مجموع سفال‌های بدست آمده از محوطه شهر قدیم مربوط به این دوران است. بنابراین، شهر قدیم که بر اساس نقشه‌های جغرافی دانان به عنوان کرسی ایالت کرمان در مرکز چهارراه‌های ارتباطی مهم غرب به شرق^۳ و جنوب به شمال^۴ قرار داشت، در

حمله غذا و تخریب عمدی قنات‌ها این شهر هرگز نتوانست به حیات خود ادامه دهد تا آنکه با توسعه طلبی مداخلة جویانه اتابکان و شبانکارگان و تصرف سیرجان توسط اتابک زنگی و در سال ۵۸۵ ه.ق توسط قطب‌الدین مبارز حاکم ایچ (محمدبن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۱۲۷-۲۰۱)، ضربه نهایی به این شهر وارد شد و ساکنان آن ناگزیر به اسکان در سکونتگاهی دیگر شدند که در ادامه با آن آشنا خواهید شد (شکل ۱).

۲- سیرجان در قرون میانی اسلامی (محوطه قلعه سنگ)

با توجه به منابع مکتوب، محوطه‌ای باستانی که امروزه با عنوان «قلعه سنگ» شناخته می‌شود، در سده‌های اولیه اسلامی به عنوان دژ و ارگ حکومتی در غرب شهر قدیم سیرجان عمل می‌کرده و جایگاه لشکریان و حاکمان بوده که در مواقع جنگ به آن پناه می‌برده‌اند (بیرونی، ۱۳۵۲: ۱۹؛ مسکویه، ۱۳۷۶: ۳۰۶/۶؛ مؤمن کرمانی، ۱۳۸۴: ۱۸؛ وزیر، ۱۳۵۲: ۲۶۲). از آنجائیکه این قلعه بر فراز صخره‌ای سنگی و مرتفع قرار دارد به سهولت می‌توانستند هر گونه جابجایی در دشت را نظاره‌گر باشند. بعلاوه، با داشتن موقعیت دفاعی مناسب، همیشه ملجاء و پناه سلاطین کرمان بوده است (وزیری، ۱۳۷۶: ۲۶۰) (شکل ۲). از دوره آل‌بویه یک کتیبه مربوط به ساخت حمامی در آن وجود دارد که تاریخ آن بین ۴۱۰ تا ۴۲۰ ه.ق است و با توجه به مندرجات تاریخی تردیدی نیست که از جایگاه دفاعی ممتاز آن تا سده ۷ ه.ق استفاده بهینه گردیده است. آنچه‌آنکه افضل کرمانی در سال ۵۸۴ ه.ق درباره قلعه سنگ آورده: «... آن‌جا قلعه‌ای است که بروج او با بروج فلک مناصی و حصانت اطراف بر جهان گشایان معاصی، در عهد ارسلان شاه چند نوبت آن را عمارت فرموده‌اند و باز خراب کرده و این ساعت معمور است.» (۲۵۳۶، ۱۳۱-۱۳۲). علاوه بر منابع مکتوب، داده‌های باستان‌شناسی نیز گویای اهمیت این قلعه در دوره سلجوقیان است. از مجموع سفال‌های بدست آمده از این محوطه، ۲۰/۴۰ درصد مربوط به سده‌های ۵ و ۶ ه.ق است. در اواخر دوره سلجوقی به دلیل جنگ‌های مداوم جانشینان طغرل و حمله غذا و آمدن اتابک زنگی به سیرجان برای کمک به توران‌شاه سلجوقی (محمدبن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۳۵) قلعه سنگ اهمیت مضاعف یافت. به هر روی، اتابکان فارس از اختلافات جانشینان طغرل استفاده کرده و سیرجان را به تصرف خود درآوردند (افضل کرمانی، ۱۳۲۶: ۷۵-۸۸). آنچه‌آنکه آورده شد، در حدفاصل سال‌های ۵۷۵ ه.ق تا ۶۶۸ ه.ق ایالت سیرجان بین اتابکان فارس و ملوک شبانکاره دست به دست می‌شد که این خود رکود و از رونق افتادن شهر قدیم را به ارمان آورد و قلعه سنگ جای آن را گرفت.

در منابع مکتوب از جنگ‌های قراختیایان با ملوک شبانکاره و بویژه جنگی که به سال ۶۱۲ بین براق حاجب و قطب‌الدین شبانکاره و جنگی که در سال ۶۳۷ ه.ق بین قتلغ سلطان قراختیایی و مظفرالدین شبانکاره بر سر ولایت سیرجان روی داده، توضیحاتی ارائه گردیده است (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۳/۵۳-۵۸؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲/۱۵۸). این مطالب نشان می‌دهد که این شهر بالغ بر نیم قرن در دست شبانکارگان بود تا آنکه در سال

۶۶۸ ه.ق ترکان خاتون با شکایتی برای بازپس‌گیری سیرجان به دربار خان مغول به تصرف قراختیایان در آمد (تاریخ شاهی، ۲۵۳۵: ۱۹۲). با آنچه آوردم معلوم شد که از سال ۵۷۵ ه.ق تا سال ۶۶۸ ه.ق که حکومت سیرجان به قراختیایان واگذار گردید، این ولایت از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده است. شکوفایی اقتصادی و تجاری سیرجان بعد از سلجوقیان، از زمان حکومت قراختیایان بر این منطقه آغاز می‌شود، زیرا پیوسته یکی از شاهزادگان قراختیایی بر سیرجان حکومت می‌کرده است (منشی کرمانی، ۱۳۹۴: ۶۸؛ وزیر، ۱۳۵۲: ۳۵۳، ۳۵۴). در این دوره سپاهی برای محافظت از ولایت سیرجان شکل گرفت و ساختمان‌های دارالضرب، دارالنقد، مدرسه و خانقاهی در این شهر ساخته شد (منشی کرمانی، ۱۳۹۴: ۱۲۰؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۸، ۸۹/۳). شواهد باستان‌شناسانه مربوط به سده ۷ و ۸ ه.ق بدست آمده از عرصه قلعه سنگ نیز گویای شکوفایی این محوطه در دوره قراختیایی و بعد از آن است، زیرا شناسایی گونه‌های مختلف سفال لاجوردینه، زرین فام، نقاشی زیر لعاب، قلم مشکی، سلاذن و ... و همچنین کاشی‌های زرین فام که از نمونه‌های شاخص این دوره بوده‌اند، بیانگر اهمیت این محوطه و همچنین مبادلات فرهنگی سیرجان با مناطق داخلی ایران و سرزمین‌های همجوار دیگر بوده است.

قلعه سنگ در سال ۷۴۴ ه.ق به تصرف امیر مبارزالدین مظفری درآمد (کتبی، ۱۳۶۴: ۴۹) و تا سال ۷۹۵ هجری، که شاهزادگان مظفری به دست تیمور گورکانی قتل‌عام شدند، در دست آل مظفر اداره می‌شد. از این دوره منبری سنگی در ضلع شمالی ارگ وجود دارد که در نوع خود بی‌نظیر است. در این دوره نیز حوادث زیادی در سیرجان رخ داده که از آن جمله می‌توان به حمله ابواسحاق اینجو به سال ۷۴۸ ه.ق به سیرجان و غارت شهر (معلم‌یزدی، ۱۳۲۶: ۱۵۸)، خیانت علی‌نصر حاکم سیرجان به سلطان احمد و تصرف خزاین قلعه توسط سلطان احمد (حافظ ابرو، ۱۳۷۸، ۳/۱۷۵)، واگذاری حکومت سیرجان با قلعه آن به سال ۷۸۹ ه.ق به سلطان ابواسحاق توسط تیمور گورکانی (حسینی، ۱۹۶۵: ۱۱۴-۱۱۵)، محاصره قلعه سنگ توسط سلطان احمد و اسیر شدن شیخ ابواسحاق (کتبی، ۱۳۶۴: ۱۲۷-۱۲۶) اشاره کرد. با این همه، مستوفی در سده ۸ ه.ق سیرجان را یکی از یازده شهر مهم ایالت کرمان ذکر کرده که در قسمت داخلی شهر قلعه‌ای مستحکم وجود دارد (مستوفی، ۱۳۹۶: ۲/۹۰۲-۹۰۴). ابن خلدون سیرجان را جزو پنج شهر مهم (ابن خلدون، ۱۳۵۲: ۱۱۶) و حافظ ابرو دومین شهر بزرگ ایالت کرمان معرفی کرده که در داخل شهر قلعه‌ای محکم بر روی صخره قرار دارد (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۱۲/۳، ۱۶). این گفته حافظ ابرو و مستوفی نشان می‌دهد که سیرجان در موقعیت دوم، در اطراف قلعه سنگ و حول محور آن قرار داشته است. با آمدن تیمور و قتل شاهزادگان آل مظفر، سیرجان و قلعه آن به سال ۷۹۵ ه.ق به محاصره لشکریان او درآمد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/۷۷۲-۷۷۴). در سال ۷۹۶ ه.ق با شیوع وبا در سیرجان طی جنگی شهر تصرف

۱۹۸۷: ۸۱-۸۶-۱۰۷-۱۱۱)، حمله سلطان سنجر تیموری در سال ۸۵۸ ه.ق به این شهر و غارت آن (روملو، ۱۳۴۹: ۳۴۲) پرداخته‌اند. تا آنکه در سال ۸۸۴ ه.ق قلعه سنگ توسط قراقویونلوها (تتوی، ۱۳۷۸: ۳۰۸-۳۰۹) فتح و متعاقب حمله آق‌قویونلوها فاتحان جدید قلعه (روزبهان اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۷۳-۱۷۸) و فتح مجدد قلعه توسط آن‌ها دیگر نامی از قلعه سیرجان در منابع مکتوب به میان نمی‌آید و این امر نشان‌دهنده این است که تخریب‌های مکرر قلعه توسط فاتحان بیرحم ادامه حیات در آن‌جا را غیر ممکن ساخته است. با تخریب این قلعه؛ ساکنان آن نیز نقل مکان کرده، شهر سیرجان عصر صفوی در موقعیت مکانی جدیدی که به «محوطه باغ بمید» شهرت دارد، شکل می‌گیرد. امیر حاجلو معتقد است که شهر سیرجان در قلعه سنگ و پیرامون آن مربوط به مرحله سوم جابجایی شهر سیرجان می‌باشد که از سده ۵ ه.ق تا اوایل دوره تیموری ادامه داشته است (سهرابی‌نیا، ۱۳۹۶: ۹)، که با توجه به بررسی‌های میدانی نگارندگان و منابع مکتوب این نظر را می‌توان رد کرد، زیرا قلعه سنگ علاوه بر این که همزمان از دوره تاریخی استقرار داشته و در سده‌های اولیه ارگ حکومتی شهر قدیم سیرجان بوده، بعد از متروک شدن شهر قدیم در اواخر دوره سلجوقی بتدریج اهمیت می‌یابد و در واقع می‌توان گفت مرحله دوم از جابجایی‌های شهر سیرجان بین سده‌های ۷ تا اواخر سده ۹ هجری قمری را در برمی‌گیرد (شکل ۱).

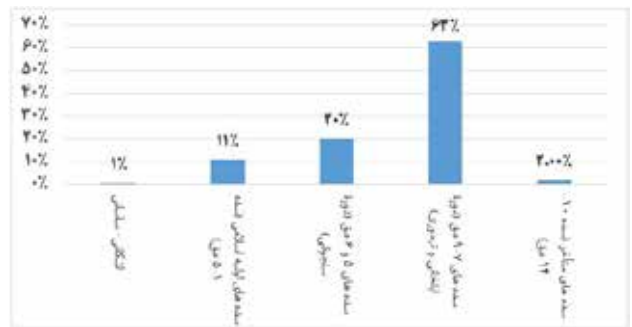
سیرجان در قرون متأخر اسلامی

الف- سیرجان عصر صفوی (محوطه باغ بمید/بیمند)

یکی از محوطه‌های استقرار مهم در ارتباط با روند تحولات شهر سیرجان در دوران اسلامی محوطه باغ‌بمید یا بر اساس نوشته‌های جغرافی دانان اسلامی چون مقدسی و اصطخری، بیمند است. در حال حاضر بقایای این استقرارگاه به عنوان یکی از محله‌های حومه‌ای شمال غربی شهر سیرجان با نام باغ‌بمید قابل شناسایی است و مورد بررسی فشرده نگارندگان قرار گرفته است (شکل ۳-۴). آنچه‌آنکه یافته‌های میدانی گواهی می‌دهند، این استقرارگاه در سده‌های نخستین اسلامی هم‌زمان با شهر قدیم حیات داشته و آنگونه که جغرافی دان‌های سده‌های اولیه نوشته‌اند، این محوطه در مسیر سیرجان به شیراز قرار داشته و تمام راه‌های شیراز از آن به سیرجان ختم می‌شده است (مقدسی، ۱۳۸۵: ۶۹۸؛ اصطخری، ۱۳۷۳: ۱۶۲-۱۶۸؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۴۰-۴۲). اولین بار در منابع تاریخی بلاذری از شهر بیمند و قصر آن یاد کرده که ابن خلدون این قصر را کاخ همید می‌نامد (۱۳۱۹: ۳۹۹؛ ۱۳۶۳: ۱/۵۶۵). در منابع جغرافیایی این محوطه یکی از شهرهای قصبه سیرجان معرفی شده است (یعقوبی، ۱۳۴۲: ۶۲؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۴-۷۹؛ قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱: ۹۱، ۹۰). مقدسی اطلاعات بیشتری در سده ۴ ه.ق می‌دهد و می‌نویسد: «...بیمند، دژی استوار با درهای آهنین بر آن است. جامع در میان بازار و از کاریزها می‌آشامند...» (۱۳۸۵: ۶۸۶).

و قلعه نیز دو سال بعد در سال ۷۹۸ ه.ق فتح و تخریب گردید (حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۳/۱۸۸؛ شرف‌الدین یزدی، ۱۳۸۷: ۱/۸۳۵؛ ۷۵۴-۷۵۳؛ منشی کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۶۱).

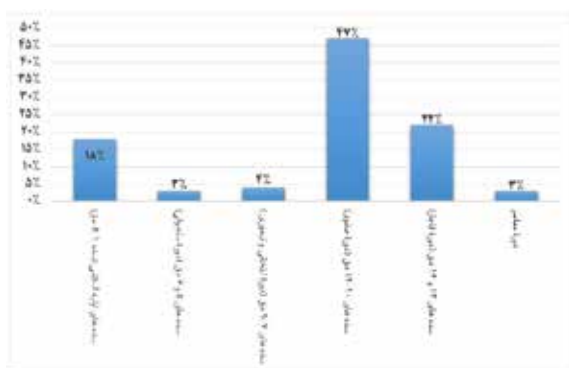
در بررسی‌های پیمایشی فشرده باستان‌شناسانه عرصه محوطه قلعه سنگ ۱۱۳۷ قطعه سفال برداشت شد. مطالعه سفال‌ها مشخص ساخت که بیشترین آن‌ها (۶۴/۱۱ درصد) به سده‌های میانی اسلامی (سده ۷-۹ ه.ق) تعلق دارد و بعد از آن، سفال‌های سده‌های ۵ و ۶ ه.ق با ۲۰/۴۰ درصد جزء بیشترین سفال‌های شناسایی شده‌اند. این در حالی است که سفال‌های سده‌های اولیه (۱ تا ۵ ه.ق) با ۱۱/۴۳ درصد، سده‌های ۱۰-۱۴ ه.ق با بیش از ۲ درصد و دوران تاریخی (اشکانی - ساسانی) ۰/۷ درصد بوده‌اند (نمودار ۲).



نمودار شماره ۲: توزیع زمانی سفال‌های مکشوفه از عرصه قلعه سنگ

داده‌های سفالی نشان داد که این استقرارگاه به احتمال از اواخر دوره اشکانی و یقیناً در دوره ساسانی مورد استفاده بوده و سفال‌های دوره تاریخی این محوطه کاملاً با سفال‌های شهر قدیم سیرجان و شاه‌فیروز قابل مقایسه است. با اتکا به این آمار می‌توان اذعان داشت، قلعه سنگ نیز استقرارگاهی است که از دوران ساسانی به دوران اسلامی انتقال یافته و در سده‌های اولیه اسلامی به عنوان ارگ حکومتی شهر قدیم عمل می‌کرده، ولی در سده‌های ۵ و ۶ هجری به تدریج رونق یافته تا آنکه در بین سده ۷ تا اواخر سده ۹ هجری اوج شکوفایی خود را طی نموده است. سفال‌های بدست آمده از سده‌های ۷ تا اواخر سده ۹ ه.ق نیز بر اساس مقایسه با مناطق دیگر مورد طبقه‌بندی و تاریخ‌گذاری قرار گرفتند. در نتیجه مشخص گردید که که سفال‌های قالبی، استامپی، لعابدار تک‌رنگ ساده و منقوش، لعابدار قالبی با خمیره شبه چینی، فیروزه‌ای و لاجوردی تک‌رنگ با خمیره چینی، سلادان، آبی و سفید، نقاشی زیر لعاب و نقاشی روی لعاب این محوطه با سفال‌های این دوران مکشوفه از سایر مراکز تمدنی مشهور شرق، جنوب شرق و جنوبی ایران قابل مقایسه هستند. جالب آنکه نتایج مطالعات باستان‌شناسانه، کاملاً در توافق با مکتوبات تاریخی قرار می‌گیرند. آنگونه که منابع تاریخی آورده‌اند، این قلعه تا سال ۸۸۴ ه.ق، کاملاً از رونق برخوردار بوده است. مورخان در این دوران به شرح رویدادهایی نظیر حمله امیرزاده اسکندر تیموری به سال ۸۱۴ ه.ق و محاصره قلعه (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/۱۲۶)، آمدن شاهرخ تیموری در سال ۸۱۸ ه.ق به سیرجان و محاصره قلعه (خوافی، ۱۳۳۹: ۲۲۳)، تصرف قلعه بین سال‌های ۸۵۵ تا ۸۵۷ ه.ق توسط شاهزادگان تیموری (یزدی،

در بررسی های پیمایشی در عرصه این محوطه ۱۳۴۶ قطعه سفال مطالعه شد و مشخص ساخت که بیشترین آن ها (با ۴۷/۳۲ درصد) به سده های ۱۰ تا ۱۲ ه.ق یعنی دوره صفوی تعلق دارد و بعد از آن، سفال های سده های ۱۳ و ۱۴ ه.ق دوره قاجار (با ۲۲/۰۶ درصد) بیشترین تعداد را دارند. در مجموع، سفال های سده های متأخر با ۷۷/۳۴ درصد بیشترین سفال های این محوطه را به خود اختصاص می دهند. کشف سفال های سده های اولیه (۱۸/۷۲ درصد)، سفال های سده های میانی (۴/۰۱ درصد)، و سفال های سده های ۵ و ۶ ه.ق (۳/۹۳ درصد) مؤید آن است که همزمان با رونق شهر قدیم سیرجان و قلعه سنگ، این محوطه نیز استقرار داشته، تا آنکه پس از تخریب قلعه سنگ، در دوره صفوی به اوج رونق خود رسیده است (نمودار ۳).



نمودار شماره ۳: توزیع زمانی سفال های مکتشفه از استقرارگاه باستانی باغ بمید

نتایج مطالعه مواد فرهنگی مکتشفه از عرصه استقرارگاه باغ بمید کاملاً با منابع مکتوب تاریخی همخوانی دارد و اطلاعات این منابع را تکمیل می کند. حمیری از دروازه ای به نام بیمند، به عنوان دروازه غربی شهر قدیم سیرجان یاد کرده است (۱۹۸۴: ۳۵۲) و تردیدی نمی ماند که این محوطه در سده های اولیه اسلامی به عنوان یکی از شهرک های اقماری سیرجان قدیم ایفای نقش می نموده تا آن که با گذر قرن ها و تخریب شهر قدیم و قلعه سنگ، به مرکز سیرجان تبدیل شده است.

در سده های میانی اسلامی ادریسی باغ بمید را شهری نام برده که دارای بازار پررونق، چشمه ها، باغ های بسیار، باروی خاکی و خانه های آباد و بازار و صنایع بسیار بوده است (۱۳۸۸: ۵۳-۵۴). حموی میمند نوشته که شهری به کرمان یا فارس است (۱۳۸۰: ۱/۶۸۶). ولی ابوالفداء آورده: «بیمند: از بلاد کرمان است... از آن جاست ابوالحسن بیمندی وزیر محمود بن سبکتکین» (۱۳۴۹: ۳۸۱). عبدالحق بغدادی هم آن را به صورت بیمند و میمند از شهرهای کرمان نام برده است (۱۴۱۲: ۱/۲۴۵). بروسوی نیز در سده ۱۰ ه.ق بیمند را شهر کوچکی از ولایت کرمان می داند که دارای آبادی هایی است (۱۳۹۷: ۲۱۶؛ ۱۴۲۷: ۲۴۱). در مجمع التواریخ ضمن ذکر اتفاقات سال های ۱۱۳۳ و ۱۱۳۴ ه.ق و حمله محمود افغان به کرمان از میمند (باغ بمید)، سیرجان و راه های آن سخن به میان آورده است (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۵۳-۵۴-۵۵).

در ذکر وقایع قیام سید احمدخان صفوی به سال ۱۱۳۸ ه.ق، از جنگ او با لشکر کرمان و سیرجان در شمال شهر میمند یاد کرده (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۶۸-۶۹). اطلاق «شهر میمند» در گزارش مرعشی نشان دهنده رونق این استقرارگاه در جایگاه یک شهر در این دوران است. استاد فقید باستانی پاریزی میمند را همان باغ بمید سیرجان می داند (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸: ۶۱۳). در منابع دوره قاجار از باغ بمید به عنوان یکی از روستاهای سعیدآباد در وسط دشت سیرجان یاد شده (وزیری، ۱۳۷۶: ۲۵۸؛ منشی کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۴۷) و سایکس از این محل با نام شهر «بی امید» نام می برد که در فتنه افغان ها خراب و میرزا سعید شهر سعیدآباد را در نزدیک آن می سازد (سایکس، ۱۳۳۶: ۴۲۸-۴۲۹). از آنجائی که در بررسی های فشرده محوطه باغ بمید سفال های زیادی (۷۷/۳۴ درصد) مربوط به سده های متأخر (قرون ۱۰ تا ۱۴ ه.ق) بودند، و با توجه به گستردگی محوطه که در حدود ۳۰۰ هکتار را شامل می شود، تردیدی نیست که باغ بمید (مرکز سیرجان عصر صفوی) یکی از استقرارگاه های مهم ولایت کرمان در این روزگار بوده است. هر چند منابع مکتوب اطلاعات چندانی از وسعت و سازمان فضایی سیرجان عصر صفویه ارائه نمی کنند، ولی داده های بدست آمده از بررسی های باستان شناسی مشخص ساخت که در این هنگام مرکزیت شهر سیرجان در اطراف امامزاده احمد و زمین های اطراف آن گسترده بوده است. اگرچه در عهد قاجار، شهر سعیدآباد حاکم نشین سیرجان بود، لیکن در باغ بمید خانه های بیلاقی وجود داشته که در فصل تابستان خوانین و بسیاری از ساکنان سیرجان بدانجا می رفتند. از جمله این بناها خانه های صدر، ناظم و شوکت سعیدی بودند که تا به امروز نیز از موروث ارزشمند شهر سیرجان می باشند (شکل ۱).

ب) سیرجان عهد قاجار (سعیدآباد)

ولایت سیرجان در زمان آقا محمدخان قاجار توسط علیقلی خان فتح شد (هدایت، ۱۳۳۹: ۲۵۳/۹). این ولایت در این دوره دارای ۳۶۰ روستا بود و ساکنان شهر از خاندان های بزرگ، مهمان نواز و با اخلاق معرفی شده اند (شیروانی، ۱۳۳۹: ۵۳۱). سعیدآباد در دوره قاجار در مرکز شهر امروزی سیرجان با بافت تاریخی و بازار آن شکل گرفت. آنگونه که وزیر (متوفی به ۱۲۹۵ ه.ق) آورده است، ۸۰ سال قبل از تحریر کتاب وی، میرزا سعید کلانتر، در وسط دشت و در نزدیکی باغ بمید، روستایی به نام سعیدآباد را آباد کرد و به دلیل آنکه بر سر راه شیراز، فارس، کرمان، بندرعباس و یزد قرار داشت، به مرور آباد گشت و رونق گرفت و در آن بازارها و کاروانسراهایی ساختند و تجاری از شیراز، یزد، کرمان و لارستان در آنجا استقرار یافتند (وزیری، ۱۳۷۶: ۲۵۸). وزیر همچنین در سال ۱۲۹۱ ه.ق سعیدآباد را شهر نامیده و آن را از نظر جمعیت و آبادی با سلطان آباد عراق و دولت آباد ملایر مقایسه و اعتقاد دارد که این شهر از آن دو هم بهتر است، زیرا پنبه های آنجا به بندرعباس و بمبئی صادر می شده است (همان: ۲۶۰-۲۵۸). از مکتوبات وزیر می توان دریافت که سعیدآباد در حدود سال ۱۲۱۱ ه.ق معمور گشته و بتدریج رونق

اوایل سده ۵ ه.ق) به عنوان مهم‌ترین شهر ایالت کرمان ایفای نقش کرده، تا اینکه شهر کرمان توسط سلجوقیان کرمان به عنوان پایتخت انتخاب گردیده است. اگرچه در این دوران نیز شهر سیرجان به عنوان یکی از چهار شهر مهم این ایالت از رونق زیادی برخوردار بوده، لیکن در اواخر حکومت سلجوقیان در مناقشات شاهزاده‌گان سلجوقی صدمات زیادی بدان تحمیل گردید. تسلط اتابکان فارس بر این شهر نیز نتوانست رونق از دست رفته آن را برگرداند، تا آن‌که با حمله غزها در اواخر سده ۶ هجری به طور کلی نابود و متروک شد و آن‌گونه که از شواهد باستان‌شناسی برمی‌آید، ساکنان آن به مکانی در همان نزدیکی که امروزه به نام قلعه‌سنگ شناخته می‌شود، نقل مکان نمودند. این قلعه بین سال‌های ۵۷۵ هجری قمری تا ۶۶۸ هجری بین شیانکارگان و اتابکان فارس دست به دست می‌شد. اهمیت قلعه‌سنگ با پس گرفتن سیرجان از شیانکارگان توسط قراختائیان شروع می‌شود تا جایی که در دوره مولانا تاج‌الدین الحق و پسرش این شهر دارای دارالنقد و دارالضرب می‌گردد و در این دوره یکی از شهرهای مهم دوره ایلخانی محسوب می‌شده است. این اهمیت تا حدودی در دوره آل مظفر تثبیت می‌شود، ولی در اواخر این دوره و با آمدن تیمور که تمام شاهزادگان آل مظفر را قتل عام و شهرهای آن‌ها را تصرف نمود، قلعه‌سنگ نیز - پس از سه سال محاصره - توسط لشکریان تیمور تصرف و تا سال ۸۸۴ ه.ق حیات شهر سیرجان در آنجا استمرار می‌یابد. آخرین ضربه به این مرکز شهری توسط ترکمانان آق‌قویونلو وارد می‌شود و بعد از آن دیگر نامی از قلعه‌سنگ در متون آورده نمی‌شود. داده‌های باستان‌شناسی نیز بر گزارشات تاریخی دایر بر متروک شدن قلعه‌سنگ در اواخر سده ۹ ه.ق صحه می‌گذارند. آنچه‌آنکه از شواهد باستان‌شناسانه مستفاد می‌گردد، متعاقب متروک شدن قلعه‌سنگ و در زمانی معادل آغاز سلسله صفویان، محوطه باغ‌بمید از اهمیت زیادی برخوردار می‌شود. مطالعات میدانی نشان‌دهنده یک محوطه استقرار (باغ‌بمید) نزدیک به ۳۰۰ هکتار است که شاخص‌ترین سفال‌های آن مربوط به دوره صفوی است. اگرچه بررسی‌های باستان‌شناسی و مطالعه منابع مکتوب نشانگر آنند که نخستین مرحله استقرار در محوطه باغ‌بمید در سده‌های اولیه اسلامی شکل گرفته بود، لیکن تردیدی نیست که در سده‌های میانی به عنوان یک استقرار کوچک در مقیاس روستا و یا شهرک بوده است. با خرابی قلعه‌سنگ به دست لشکریان تیمور، تعدادی از ساکنان قلعه‌سنگ نیز به باغ‌بمید نقل مکان نموده و بدین سبب بتدریج رونق گرفته و با تخریب و متروک شدن قلعه‌سنگ در سال ۸۸۴ هجری توسط لشکریان آق‌قویونلو، مرکزیت شهر سیرجان به این مکان منتقل می‌گردد. مرکزی که در دوره صفوی به عنوان مهم‌ترین استقرار دشت سیرجان ادامه حیات داده است. در دوره قاجار با آباد شدن روستایی در جنوب باغ‌بمید (توسط سعید کلاتر) مرکزیت شهر سیرجان به این مکان منتقل و شهر جدید سیرجان با مرکزیت سعیدآباد شکل می‌گیرد و به صورت مرکز ایالت سیرجان درمی‌آید. هر چند که محوطه باغ‌بمید نیز تا دوره معاصر دارای سکونت بوده است، ولی مرکز اصلی و

یافته که هشتاد سال بعد از آن به عنوان دارالملک و شهری بزرگ یاد می‌شود. دیگر آنکه، موقعیت ارتباطی سعیدآباد از دلایل عمده توسعه و پیشرفت آن ذکر شده است. چنان که سایکس نوشته، شهر سیرجان در بهترین نقطه در محل تقاطع راه‌ها قرار داشت (سایکس، ۱۳۹۱: ۲/ ۶۶۵-۶۶۴). قبل از وزیری، منشی کرمانی در سال ۱۲۶۷ ه.ق سعیدآباد را مرکز ولایت سیرجان می‌داند و از آن به عنوان قصبه‌ای آباد نام برده که بیش از چهارصد خانوار جمعیت دارد که بیشتر آن‌ها از مردم فارس بودند. او نیز به قرار گرفتن این شهر در مسیر راه بندرعباس و فارس اشاره می‌کند و از ۱۵۰ تا ۲۰۰ مغازه، دو سه بازار و کاروانسرا، حدود ۴۰ خانه اعیانی خوب، ۴ حمام، ۳ مسجد و ۲ حسینیه نام برده و تاجران این شهر را افرادی ثروتمند و معتبر معرفی می‌کند (۱۳۹۱: ۲۴۶-۲۴۵). به نظر می‌رسد با گذشت سه دهه، سعیدآباد تا بدان حد پیشرفت می‌کند که نویسنده رساله دهات کرمان، سیرجان را بزرگترین بلوک کرمان که دارای چهارصد خانه، سه حمام و یک کاروانسرا با ۵۰ تا ۶۰ مغازه بوده، ذکر کرده است (۱۳۷۶: ۴۱۴). سایکس این شهر را دارای حدود ۳ هزار خانوار و قراء و قصبات زیادی نام می‌برد (۱۳۳۶: ۴۲۸-۴۲۹). گابریل نیز آن را آبادی بزرگی با بازار و باغ‌های زیبا معرفی کرده است (گابریل، ۱۳۸۱: ۲۸۳). در کتاب فرهنگ جغرافیائی ایران از سعیدآباد به عنوان مرکز سیرجان نام برده شده است که دارای چهار خیابان، دو بازار، چهار دبستان و یک بیمارستان بوده است (۲۵۳۵: ۲۵۳). با آنچه آوردیم معلوم شد که سعیدآباد به روزگار قاجار در مرکزیت شهری توسعه یافته قرار می‌گیرد که امروزه سیرجان نام دارد. هسته مرکزی این شهر بر پیرامون مجموعه بازاری شکل گرفته که اصلی‌ترین کانون اقتصادی و تجاری شهر سیرجان به شمار می‌آید (شکل ۵-۶). در این بافت تاریخی خانه‌های زیادی از دوره قاجار باقی مانده بود که متأسفانه طی چند سال اخیر کاملاً تخریب شده‌اند. فقط چند خانه از جمله خانه حاج رشید و خانه دینانی و خانه دکتر صادقی در مرکز شهر سیرجان باقی مانده است که به همراه بادگیر چقیقی و مسجد جامع (سبزی‌علی) و مجموعه بازار بافت تاریخی شهر سیرجان را تشکیل می‌دهند (شکل ۱).

تحلیل و نتیجه‌گیری

در نوشتار حاضر تلاش گردید تا با اتکاء به منابع مکتوب و شواهد مطالعات میدانی در عرصه و حومه شهر سیرجان به پرسش‌های مطروحه در خصوص روند توسعه و تحولات شهر سیرجان در دوران اسلامی پاسخ گفته شود. در مطالعه و تحلیل داده‌های میدانی مشخص گردید که هسته اولیه شهر سیرجان در مکانی که امروز با عنوان «محوطه شهر قدیم» شناخته می‌شود، به احتمال در دوره اشکانی شکل گرفته و در دوره ساسانی بخصوص در نیمه دوم حکومت ساسانیان توسعه و گسترش یافته است. وجود ضرابخانه سیرجان در نیمه دوم حکومت ساسانیان بر اهمیت سیاسی و اقتصادی این شهر در این دوره حکایت دارد. آنچه‌آنکه از منابع مکتوب مورد استناد برمی‌آید، این شهر در قرون اولیه اسلامی (تا

حاکم نشین شهر در دوره قاجار سعید آباد بوده است، و بازار و بافت تاریخی اطراف آن به عنوان نقطه مرکزی شهر سیرجان در دوره قاجار بوده است. در نتیجه تحقیق حاضر معلوم گردید که شهر باستانی سیرجان، در دوران اسلامی چند بار نقل مکان نموده و از سیرجان قدیم به قلعه سنگ، از آنجا به باغ بمید و در نهایت به سعید آباد جابجا گردیده است.

پی نوشت ها

۱. طرح بررسی «شهر سیرجان در دوران اسلامی و راه های ارتباطی آن» طی بهار سال ۱۳۹۷ با شماره مجوز ۴۶۸۹/۰۰/۹۶۲۱۴۱/۰۰ به تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۶ پژوهشگاه میراث فرهنگی و حمایت های مالی و معنوی شرکت معدنی و صنعتی گل گهر سیرجان به اجرا درآمده است. نگارندگان بر خود لازم می دانند از ریاست سابق و کنونی پژوهشگاه باستان شناسی خانم دکتر حمیده چوبک و آقای دکتر روح الله شیرازی و همکاران محترمشان برای اخذ مجوز بررسی و همچنین از شرکت معدنی و صنعتی گل گهر سیرجان به دلیل حمایت های همه جانبه و بی دریغ مسئولان این شرکت برای تأمین مالی و اسکان اعضا هیئت خصوصاً مدیریت پشتیبانی وقت جناب آقای دکتر محمد حاتمی نهایت تشکر و سپاسگزاری را نمایند.

۲. قلعه یحیی در غرب شهر قدیم سیرجان قرار دارد که تنها دروازه ای باقی مانده از یک قلعه تاریخی مربوط به دوره قاجار است. در واقع قلعه نزدیک تپه شاه فیروز بنایی بزرگ با دو حیاط است که قلعه علی آباد نام دارد.

۳. راه هایی که از بصره و عراق شروع می شد و با گذشتن از شهرهای خوزستان و ایالت شیراز به سیرجان آمده و از آن جا به بم، سیستان، مکران، خراسان، سمرقند و هند ادامه می یافت.

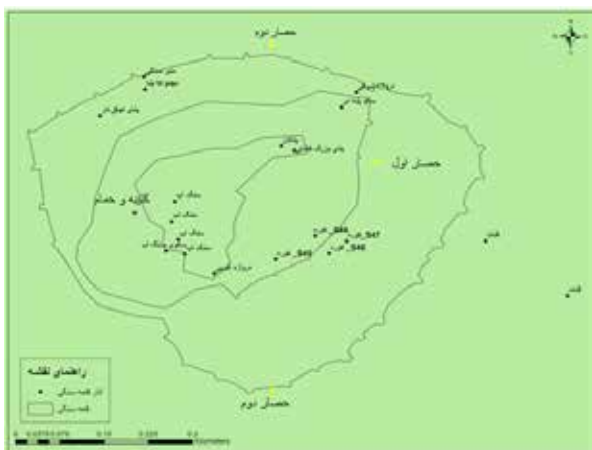
۴. مسیری که به یزد، اصفهان، ری، گرگان و قسمت های مرکزی فلات ایران می رفت.

فهرست منابع و مراجع

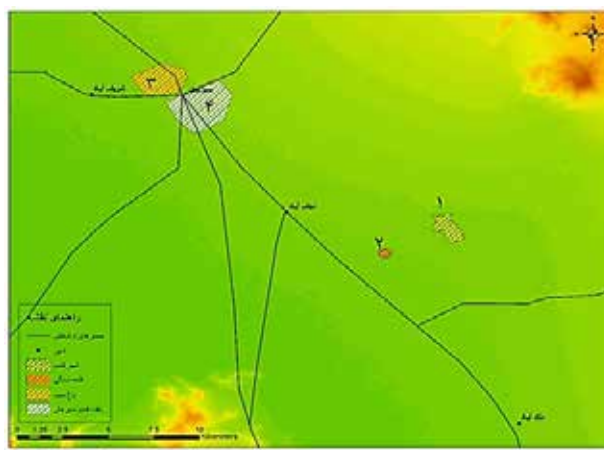
۱. ابن خردادذبه، عبدالله (۱۳۷۱)، **مسالک و ممالک**، ترجمه سعید خاکرند تهران: میراث ملل.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۲)، **مقدمه**، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۳)، **العبر**، ترجمه عبدالمحمد آبتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۴. ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۳۶۶)، **سفرنامه**، ترجمه جعفر شعاع، تهران: امیر کبیر.
۵. ابوالقضاء، اسماعیل (۱۳۴۹)، **تقویم البلدان**، ترجمه عبدالمحمد آبتی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۶. ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵)، **اعلاق النیسسه**، مترجم حسین قره چانلو، تهران: امیر کبیر.
۷. اصطخری، ابواسحاق (۱۳۷۳)، **مسالک و ممالک**، ترجمه محمد بن تستری، تهران: انتشارات افشار.
۸. ابوریحان بیرونی، محمد (۱۳۵۲)، **تحدید نهایات الاماکن لتصحیح مسافات المساکن**، ترجمه احمد آرام، تهران: دانشگاه تهران.

۹. عبد الحق بغدادی، صفی الدین (۱۴۱۲ه.ق)، **مراصد الإطلاع علی أسماء الأمکنه و البقاع**، بیروت: دار الجبل.
۱۰. افضل الدین کرمانی، حمیدالدین (۱۳۲۶)، **بدایع الازمان فی وقایع کرمان**؛ تصحیح مهدی بیانی؛ تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. افضل الدین کرمانی، حمیدالدین (۲۵۳۶)، **عقد العلی للموقوف العلی**، تصحیح عامری نائینی و باستانی پاریزی، تهران: روزبهان.
۱۲. ادریسی، محمد (۱۳۸۸)، **ایران در کتاب نزهة المشتاق فی الاختراق و الافاق**، ترجمه عبدالمحمد آبتی، تهران: بنیاد ایران شناسی.
۱۳. امیر حاجلو، سعید و حسین صدیقیان، ۱۳۹۵، «کاوش قلعه سنگ شهر کهن سیرجان، استان کرمان»، **گزارش های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان شناسی ایران**، به کوشش حمیده چوبک، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری: صص ۱۶-۲۲.
۱۴. امینی، امین (۱۳۹۲)، **سکه شناسی آخرین شاهان ساسانی**، پازینه.
۱۵. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۵۷)، **حماسه کویر**، تهران: امیر کبیر.
۱۶. باستانی پاریزی محمد ابراهیم (۱۳۷۸)، **سیاست و اقتصاد عصر صفوی**، تهران: صفی علیشاه.
۱۷. بلاذری، احمد (۱۳۱۹)، **فتوح البلدان**، طبع کتب العربیه، مصر: طبع بمطبعة الموسوعات.
۱۸. بروسوی، محمد (۱۳۹۷)، **اوضح المسالک الی معرفة البلدان و الممالک**، ترجمه حسین قرچانلو، تهران: نگارستان اندیشه.
۱۹. تاریخ شاهی، ناشناخته (۲۵۳۵)، **تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی**، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۲۰. تئوسی، قاضی احمد (۱۳۷۸)، **تاریخ الفی**، تصحیح علی آل داود- تهران: فکر روز.
۲۱. جهانی، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، **اشکال العالم**، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۲. حاج ولیسی، مهدی؛ محمدی فر، یعقوب؛ قیاسی، کی آرش؛ لامعی رشتی، محمد؛ اولیائی، پروین (۱۳۸۸)، «مطالعه و تحلیل ۳۰ سکه نقره ای دوره ساسانی موزه همدان با استفاده از روش PIXE»، **مجله مطالعات ایرانی**، شماره ۱۶، صص ۱۴۰-۱۵۰.
۲۳. حاتمی، ابوالقاسم (۱۳۸۰)، **سیرجان قدیم مرکز صنعت و هنر اسلامی**، کرمان: کرمان شناسی.
۲۴. حاتمی، ابوالقاسم (۱۳۷۴)، **بررسی تحلیلی باستان شناسی سیرجان قدیم**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس: منتشر نشده.
۲۵. حافظ ابرو، عبدالله (۱۳۷۸)، **جغرافیای حافظ ابرو**، جلد دوم، تهران، آینه میراث.
۲۶. حمدالله مستوفی، حمدالله (۱۳۹۶)، **نزهة القلوب**، تصحیح میرهاشم محدث، جلد دوم، تهران: سفیر اردهال.
۲۷. حسینی، خورشاه (۱۹۶۵)، **تاریخ قطبی**، دهلی: جامعه ملیه اسلامیة نئی دهلی.
۲۸. حموی، یاقوت بن عبد الله (۱۳۸۰)، **معجم البلدان**، جلد اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۹. حمیری، محمد (۱۹۸۴)، **الروض المعطار فی خبر الاقطار**، بیروت: مکتبه لبنان، الطبعه الثانية.
۳۰. **حدود العالم من المشرق الی المغرب** (۱۳۴۰)، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.
۳۱. خوافی، فصیح احمد (۱۳۳۹)، **مجمل فصیحی**، تصحیح محمود فرخ، مشهد: کتابفروشی باستان.
۳۲. چوبک، حمیده (۱۳۹۱)، «سفالینه های دوران اسلامی شهر کهن جیرفت»، **مطالعات باستان شناسی**، دوره ۴، ش ۱، صص: ۸۳-۱۱۲.

۳۳. رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۹۳)، **سکه‌های ایران در دوره اسلامی**، تهران: سمت.
۳۴. روزبهان اصفهانی، فضل‌الله (۱۳۸۲)، **عالم آرای امینی**، تصحیح محمد اکبر عشیق، تهران: میراث مکتوب.
۳۵. روملو، حسن (۱۳۴۹)، **احسن التواریخ**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۶. سایکس، سرپرسی (۱۳۳۶)، **سفرنامه**، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: ابن سینا.
۳۷. سایکس، سرپرسی (۱۳۹۱)، **تاریخ ایران**، ترجمه فخر داعی گیلانی، جلد ۱ و ۲، تهران: نگاه.
۳۸. سهرابی‌نیا، احمد (۱۳۹۶)، **مطالعه باستان‌شناختی سفال‌های دوره ایلخانی شهر قدیم سیرجان**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، منتشر نشده.
۳۹. شبانکاره‌ای، محمد (۱۳۸۱)، **مجمع الأنساب**، مصحح میر هاشم محدث، جلد ۱ و ۲، تهران: امیر کبیر.
۴۰. شرف‌الدین علی یزدی (۱۳۸۷)، **ظفرنامه**، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۴۱. شیروانی، حاجی‌زین العابدین (۱۳۳۹)، **ریاض السیاحه**، تصحیح: اصغر حامد ربانی، تهران: سعدی.
۴۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، **تاریخ طبری**، ترجمه ابوالقاسم حالت، جلد پنجم و هشتم، تهران: اساطیر.
۴۳. طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۸)، **تاریخ الرسل و الملوک**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد چهارم، تهران: اساطیر.
۴۴. طوسی همدانی، محمد (۱۳۸۲)، **عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات**، تهران: علمی و فرهنگی.
۴۵. عبدالرزاق سمرقندی، کمال‌الدین (۱۳۸۳)، **مطلع سعدین و مجمع بحرین**، جلد ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۴۶. فرهنگ جغرافیایی ایران (۲۵۳۵)، **استان هشتم کرمان و مکران**، جلد ۸، تهران: سازمان جغرافیایی کشور.
۴۷. قدامه بن جعفر (۱۹۸۱م)، **الخروج و صناعة الكتابة**، جلد ۱، بغداد: دار الرشید للنشر.
۴۸. کتبی، محمود (۱۳۶۴)، **تاریخ آل مظفر**، به اهتمام دکتر عبدالحسن نوائی، تهران: امیر کبیر.
۴۹. کریمیان، حسن، افضلی، زینب (۱۳۹۸)، «سیرجان قدیم یکی از مراکز مهم شیشه‌گری جنوب شرق ایران»، **مجله مطالعات باستان‌شناسی**، زیر چاپ.
۵۰. گابریل، آلفونس (۱۳۸۱)، **مار کوپولو در ایران**، ترجمه پرویز رجبی، تهران: اساطیر.
۵۱. گیبونز، ریچارد، ۱۳۹۵، **سفرنامه**، مترجم امید شریفی، تهران: ایران‌شناسی.
۵۲. محمدبن ابراهیم (۱۳۴۳)، **تاریخ کرمان**، به تصحیح باستانی‌پاریزی، تهران: طهوری.
۵۳. مرتضایی، محمد و محمدیوسف کیانی (۱۳۸۵)، «مطالعه و تحلیل سفالینه‌های مکشوفه از کاوش‌های باستان‌شناختی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ محوطه تاریخی جرجان»، **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی**، دوره ۵۷، شماره ۵، صص. ۱۲۹-۱۱۲.
۵۴. مرعشی‌صفوی، میرزا محمد (۱۳۶۲)، **مجمع التواریخ**، تصحیح عباس اقبال، تهران: کتابخانه سنائی و طهوری.
۵۵. مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۶)، **تجارب الامم**، جلد ۵ و ۶، ترجمه علی نقی منزوی، تهران: توس.
۵۶. مقدسی، ابو عبدالله (۱۳۸۵)، **احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم**، ترجمه دکتر علینقی منزوی، تهران: کوش.
۵۷. معلم یزدی، معین‌الدین (۱۳۲۶)، **مواهب الاهی**، تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال.
۵۸. منشی کرمانی، محمد امین (۱۳۹۱)، **جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری**، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۵۹. منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۹۴)، **سمط العلی للحضرة العلیا**، تصحیح مریم میرشمسی، تهران: محمود افشار.
۶۰. مؤمن کرمانی، ملامحمد (۱۳۸۴)، **صحیفه الارشاد**، تصحیح باستانی‌پاریزی، تهران: نشر علم.
۶۱. میرخواند، میر محمد خواندشاه (۱۳۳۸)، **روضه الصفا**، جلد اول، تهران: خیام و پیروز.
۶۲. وزیری، احمدعلی‌خان (۱۳۵۲)، **تاریخ کرمان**، به تصحیح باستانی‌پاریزی، تهران: ابن سینا.
۶۳. وزیری، احمدعلی‌خان (۱۳۷۶)، **جغرافیای کرمان**، تصحیح باستانی‌پاریزی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۶۴. هدایت، رضا قلی‌خان (۱۳۳۹)، **روضه الصفا ناصری**، جلد نهم و دهم، تهران: خیام و پیروز.
۶۵. یزدی، تاج‌الدین حسن (۱۹۸۷)، **جامع التواریخ حسنی**، کراچی: مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی و دانشگاه کراچی.
۶۶. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب (۱۳۴۲)، **البلدان**، دکتر محمد آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
67. Azarnoush, M. (1994), **The Sasanian Manor house at Hājīābād**, Iran. Florence.
68. Bivar, A. D. H., Fehervari, G., Baker, P. L., Errington, N., Shokoohy, M., Errington, E., & Tyler-Smith, S. (2000). **Excavations at Ghubayrā**, Iran. School of Oriental & African Studies.
69. Kervran. M. (1984). **Les niveaux islamiques du secteur oriental du tepe de IApadana,III**. Les objets en verre, en pierre et metal. Delegation Archeologique Francaise en Iran, pp 211- 237.
70. Markwart, J. (1931). **A Catalogue of the Provincial Capitals of Eranshahr, Pahlavi Text**, Version and Commentary, ed. G. Messina, Rome: Pontificio Istituto Biblico.
71. Morgan, P., & Leatherby, J., (1987), "Excavated Ceramics from Sirjan", Syria and Iran, Tree Studies in Medieval Ceramics, Edited by James Allan and Caroline Roberts, **Oxford Studies in Islamic Art IV**, University of Oxford, pp 23-172.
72. Whitcomb, D.S. (1985). **Before the Roses and the Nightingales**. Excavations at Qasr-i Abu Nasr, Old Shiraz. Metropolitan Museum of Art: New York.
73. Whitehouse. D. (2009), **Sīrāf. History; topography and environment**. The British Institute of Persian Studies Archaeological Monographs Series I. Oxbow: Oxford.



شکل شماره ۲: پلان محوطه قلعه سنگ و آثار قابل رویت در عرصه آن



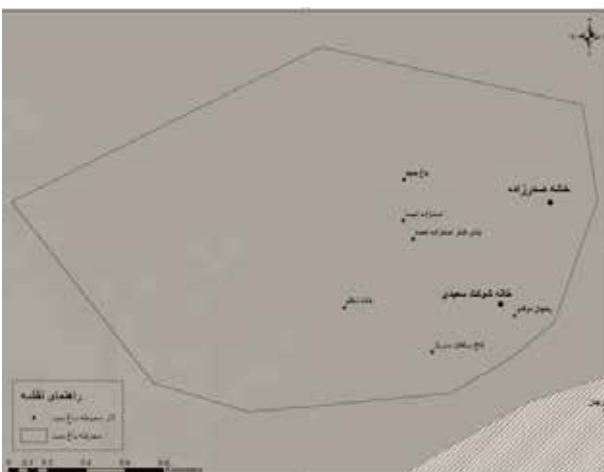
شکل شماره ۱: جابجایی های شهر سیرجان در دوره های مختلف :
۱- شهر قدیم، ۲- قلعه سنگ، ۳- باغ بمید ۴- سعیدآباد.



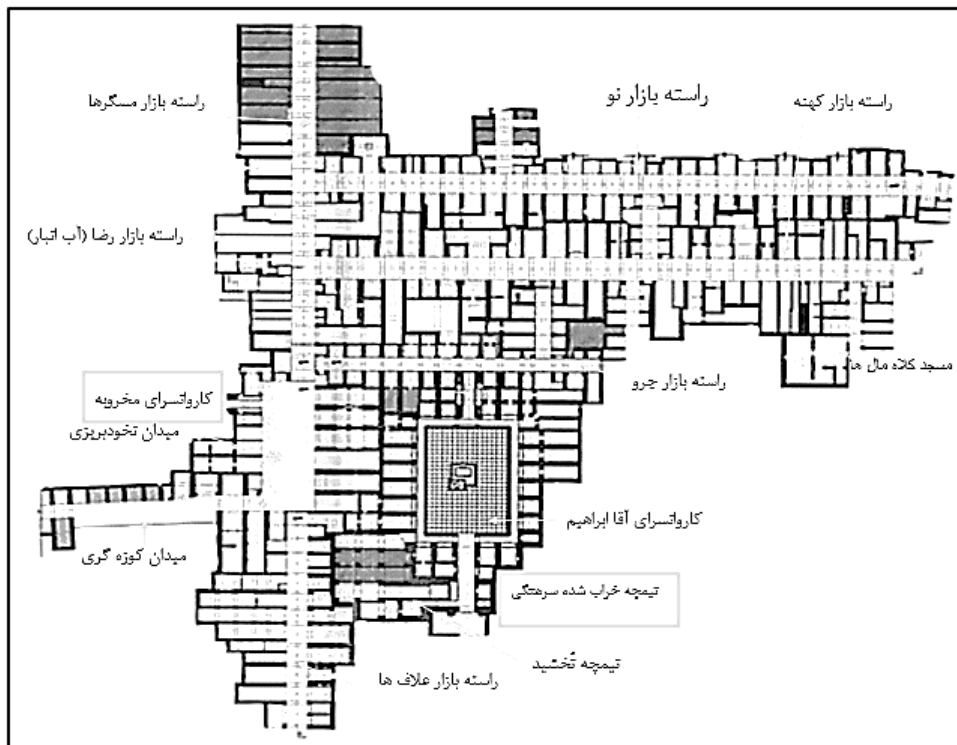
شکل شماره ۳: محدوده باغ بمید در مجاورت بافت قاجاری سیرجان



شکل شماره ۵: موقعیت قرارگیری شهر سعیدآباد در نقشه بافت شهری سیرجان کنونی؛ مأخذ: شهرداری سیرجان: ۱۳۹۸



شکل شماره ۴: محدوده محوطه باغ بمید و بناهای ارزشمند تاریخی آن



شکل شماره ۷: مجموعه بناهای شاخص در بازار تاریخی سیرجان؛ مأخذ: نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۱۵، با تغییراتی از نگارندگان

